

## فایده ادبیات

انتوان کمایون، امبرتو اکو، توماس پاول

روح الله حسینی



نگار خاندوش

بجالت  
بشرمات



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه: ————— حسینی، روح‌الله ۱۳۵۰ گردآورنده، مترجم
- عنوان و نام پدیدآور: ————— فایده ادبیات / کتاب‌های آنتوان کمپانیون، امبرتو اکو، توماس پاول؛ برگردان [اصحیح: گردآورنده] ترجمه روح‌الله حسینی.
- مشخصات نشر: ————— تهران: نشر مات: نشر خاموش، ۱۳۸۰.
- مشخصات ظاهری: ————— ۱۱۰ ص: ۱۶/۵×۲۱ س.م.
- شابک: ————— 978-622-99808-8-0
- وضعیت فهرست نویسی: ————— فیبا
- یادداشت: ————— کتاب حاضر ترجمه و گردآوری از منابع مختلف است.
- یادداشت: ————— چاپ سوم.
- موضوع: ————— ادبیات -- فلسفه
- موضوع: ————— Literature -- Philosophy
- شناسه افزوده: ————— کومپانیون، آنتوان، ۱۹۵۰ - م.
- شناسه افزوده: ————— Compagnon, Antoine
- شناسه افزوده: ————— اکو، امبرتو، ۱۹۳۲ - ۲۰۱۶ م.
- شناسه افزوده: ————— Eco, Umberto
- شناسه افزوده: ————— پاول، توماس، ۱۹۴۱ - م.
- شناسه افزوده: ————— Pavel, Thomas
- رده بندی کنگره: ————— ۱۳۹۷ ف۵/ح۴۹/۲۱
- رده بندی دیویی: ————— ۸۰۱
- شماره کتابشناسی ملی: ————— ۵۵۶۳۵۹۰



**نشریات**  
**نشریات**

|                                         |                 |
|-----------------------------------------|-----------------|
| فایده ادبیات                            | نام کتاب:       |
| انتوان کمپانیون، امبرتو آکو، توماس پاول | مؤلف:           |
| روح الله حسینی                          | ترجمه:          |
| استودیو نشر خاموش                       | طرح جلد و زینت: |
| اپ دیجیتال نقطه                         | چاپ و صحافی:    |
| اول، ۱۳۹۷ / ۳۰۰ نسخه                    | چاپ / شمارگان:  |
| ۱۶۰۰ تومان                              | قیمت:           |
| ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۰۸-                           | شابک:           |

کلیه حقوق این اثر برای نشریات و نشریات محفوظ است.

ارتباط با نشریات: ۹۷۳۸۴۹ - ۶۲۲

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ - ۳۱۷، ۱۹۲۰

[www.NashreMaat.ir](http://www.NashreMaat.ir) - @NashreMaat

[www.v.KhamooshPub.ir](http://www.v.KhamooshPub.ir) - @KhamooshPubch

هرگونه کپی برداری، برداشت  
و اقتباس از تمام یا قسمتی از  
این اثر، منوط به اجازه کتبی  
ناشر می باشد.

آدرس: تهران، خیابان فخررازی، بن بست فاتحی داریان، پلاک ۵، طبقه اول

## فهرست

|    |                                   |
|----|-----------------------------------|
| ۹  | .....مقدمه مترجم                  |
| ۱۷ | .....ادبیات به چه کار می آید؟     |
| ۶۳ | .....برخی کارکردهای ادبیات        |
| ۸۳ | .....چگونه به ادبیات گوش فرادهیم؟ |

فایده ادبیات چیست؟ این پرسش همیشه تازه نیست و دست کم از زمانی که سارتر می نوشت بارها و بارها از سوی نقادان، اندیشمندان مختلف مطرح شده<sup>۱</sup>، لیکن هنوز گویی جواب در خوری نیافته است. زیرا همچنان در باب این فایده و اهمیت ادبیات، چون و چرا بسیار است. همچنان مطالعات ادبی لااقل در ایران از جایگاه شایسته ای برخوردار نیستند و کسانی که به این رشته روی می آورند، دل نگرانند که آیا انتخاب درستی داشته اند یا خیر. این غفلت، اگر نگوییم بیماری، تنها دامگیر ما نیست، بلکه در کشورهایی همچون فرانسه، انگلستان، ایتالیا و آمریکا نیز، که در یک قرن اخیر از حاصلخیزترین سرزمینها در پرورش نویسندگان و شاعران بوده اند، جایگاه و نقش ادبیات در گستره علوم و معارف با تردیدهایی جدی روبرو شده است. شاهد این مدعا هم

۱ - پیش از سارتر، یک فرانسوی دیگر به نام شارل دوبس، در سال ۱۹۳۸ متنی با عنوان ادبیات چیست؟ نگاشته است.

چاپ و انتشار بیش از پیش مقاله‌ها، رساله‌ها و سخنرانی‌ها در دفاع از ادبیات است.

ناگفته، پیداست که منظور از ادبیات در اینجا، حوزه‌ای از دانش، و کارکرد آن در زندگی است. چه بخواهیم و چه نخواهیم، امروزه عده کثیری از، نمی‌گویم مردم عادی، بلکه اهالی نظر و حتی فرهنگ هستند که به ادبیات دیدۀ تردید می‌نگرند و در فایده و اهمیتش در جامعه شک دارند. یکی از دلیلهای مهم این رویکرد، البته رشد افسارگسیخته علوم دقیقه و تسلط نگاهها و روشهای عده بر کل حوزه دانش، در دو سده گذشته، بوده است، تا آنجا که در حوزه ادبیات، چیزی پدید آمد به نام علوم ادبی. یعنی ادبیاتی که از راه و روشهای علم استفاده می‌کرد، و همچنان می‌کند. اما مشکل در اینجا بود که ادبیات، به اعتبار ذات، صرف خویش، همواره هم به راه و روش علوم تن در نمی‌داد و همچون اسب، خوشتر مداه می‌رمید تا در بندش نکشند. آنجا هم که تن می‌داد و روشها به مانند اسبهای رنگارنگ بر قامتش، بریده، دوخته و آزموده می‌شد، همچنان این سال بازی به دور که، حالا که چه؟ خوب، این که فهمیدیم ساخت و سازه این شعر چگونه است، چه سودی دارد؟ در این میان البته خود دوستان ادبی، در لکه دار کردن غشیب و مقام ادبیات بی‌تاثیر نبوده‌اند. به هر حال اما، تمام مشکل از آنجا ناشی شده است که ندانسته و نمی‌دانیم که ادبیات چیست.

هرگز نشنیده‌ام که کسی بگوید برای کسب ثروت یا شهرت به ادبیات روی آورده است. اما بسیار بارها دیده‌ام که کسی را به خاطر دل سپردن به آن، نکوهیده‌اند، که مگر ادبیات هم شدن و آب! اما این ضم و این نکوهش بیش از آنکه از بخت برگشتگی و نامرادی ادبیات برآمده باشد، از ناآشنایی و جهل ما به فلسفه، به کیفیت و ضرورت ادبیات ناشی می‌شود. باری، مشکل

در اینجا است که عموماً نمی‌دانیم ادبیات چیست. و نمی‌دانیم چه کاربردی می‌تواند در زندگی ما داشته باشد.

کتاب پیش رو کوششی است در این جهت. کسانی که در اینجا سخن می‌گویند استادان بزرگ ادبیات جهانند: کمپانیون، پاول و اکو، که از سه ساحت فرهنگی متفاوت هم برخاسته‌اند. یکی از آمریکا، یکی از فرانسه و دیگری از ایتالیا. اما چرا این موضوع را پیش کشیده‌اند و به تصریح کاربردهای ادبیات و دفاع از آن روی آورده‌اند؟ به نظر می‌رسد هر سه دل‌نگران سرنوشت مطالعات ادبی در کشورهای خود و البته در سطح جهانند. یعنی اینکه در فرانسه هم که سواره‌های هم‌پیش می‌دهند هنر و ادبیات شهره بوده، اقبال به ادبیات به عنوان رشته‌ای دانشگاهی رو به افول گذارده است! همان مصیبتی که ما سالهاست گرفتار آنیم. حتی در میان اهالی فرهنگ و دانشگاهیان ما هم، هر گاه سخن از ادبیات به میان می‌آید، نخستین و تنها چیزی که به ذهن می‌رسد شعر است و داستان. نه اینکه بدانیم فلسفه و کارآمدی این دو چیست، بلکه قصد بر این است که گفته یا برآوردت بگوئیم القاء شود که ادبیات یعنی خواندن شعر و داستان و تنها لذت بردن از این دو. درست مثل همان لذتی که از نوشابه‌ای گوارا یا غذایی دلپذیر می‌بریم. پس چرا آن هم باید به موضوعاتی جدی‌تر پردازیم! اما آیا ادبیات این است؟ یا فقط همین است؟ آنچه از این استادان بزرگ می‌آموزیم چیز دیگریست. از ایشان می‌آید که انتخاب ادبیات به عنوان یک حرفه، شایسته و تحسین‌برانگیز است و چه بسا از ژرف‌ترین و شریف‌ترین دغدغه‌های زندگی برمی‌آید؛ هر چند در ظاهر و بنابر تعاریفی، ادبیات شکل خدعه و نیرنگ داشته باشد. هر چه باشد، «این تقلبِ میمون، این نیرنگ، این خدعهٔ فخیم» به ما "امکان می‌دهد تا به زبان، خارج از قدرت گوش فرا دهیم (...)" این قول رولان بارت است. هم

او، که خود، روزی بالاترین و رشک‌برانگیزترین جایگاه علمی و دانشگاهی را در میان خیل روشنفکران و اندیشمندان فرانسوی داشت. بارت، ادبیات را "کتاب راهنمای زندگی" می‌دانست. درست مثل کتاب راهنمایی که برای هر وسیله پیچیده‌ای باید داشت تا بتوان از آن استفاده کرد. بارت عمیقاً به ادبیات و نقش آن در زندگی اعتقاد داشت، و به مانند مرادش در نویسندگی، رسا، پروسست، بر آن بود که "زندگی حقیقی، زندگی‌ای که در نهایت مکشوف و معلوم می‌شود، یگانه زندگی‌ای که بدین ترتیب واقعاً زیسته شده، ادبیات است."<sup>۱</sup> این، تعریف و تعاریف دیگر از ادبیات، از جمله جملات زیبا، و به باور ما درس‌نی است که در متن پیش رو و از زبان کومپانیون خواهید شنید. در کنار آن، بزرگوار دیگری همچون ایتالو کالوینو، نویسنده مشهور ایتالیایی و خالق آثار بزرگی چون *بارو*، *درخت نشین*، هم سخن خواهند گفت: "چیزهایی را که ادبیات می‌تواند جستجو کند و باهوزد خیلی زیاد نیستند اما جایگزینی هم ندارند: شیوه نگرستن به دیبایی و به خود (...) تخمین ارزش چیزهای کوچک یا بزرگ (...) یافتن نسبت‌های زنانه، جایگاه عشق در آن، و نیرو و آهنگ آن، و جایگاه مرگ و شیوه اندیشیدن و نشاندن به آن"، و چیزهای "ضروری و دشوار" دیگر، مثل "سختی، ترحم، غم، طعنه و مطایبه"<sup>۲</sup>.

در چنین نگرشی، ادبیات دیگر همچون سرگرمی و جستجوی حظ و لذت و هیجان صرف نیست. بلکه اندیشیدن و جستجوی دانایی را باید مقدم بر هر کارکرد یا هدفی دانست که ادبیات در پی آن است. در این نگاه، دیگر انتخاب میان ادبیات و علوم، به تفاوت در توان و نیروی اندیشیدن باز نمی‌گردد، بلکه این انتخاب به راه و برنامه و سلیقه انسانها در نگاه به زندگی و جهان بستگی

۱ - پروسست، در جستجوی زمان از دست رفته، گالیمار، پلیاد، ۱۹۸۷-۱۹۸۹، ۴ مجلد، جلد ۴، ص. ۴۷۴.

۲ - کالوینو، "نخاع شیر" (۱۹۵۵)، "سنگی بر فراز" (۱۹۸۰)، ترجمه به فرانسه از ژ. پ. مانگانارو، در تحذیر هزارتوها، همان، جلد ۱، ص. ۳۰.



دارد. و گر نه در ادبیات، این آزمایشگاه بزرگ تجارب فکری بشر آنگونه که پل ریکور می‌گفت، نیز همچون در علوم، همان فرایند مشاهده، مقایسه و استدلال وجود دارد. تنها تفاوت در این است که ادبیات برعکس علوم که با موضوعی عینی و ملموس سر و کار دارند، با جهانی از موضوعات متغیر و ناپایدار و بهم‌ریز و بیروست که نمی‌تواند و نباید از دل آنها قوانینی بیرون بکشد که در همه جا و در همه زمانها به یکسان عمل می‌کنند. دنیای ادبیات دنیای اموری بی‌همتا و بی‌گنا است که جز در ادبیات و با کمک ادبیات بیان نمی‌شوند؛ همان امور و لحظه‌هایی که در وصف آنها، فلسفه هم، زمانی که صحبت از اخلاق یا شناخت هستی می‌رود، درمی‌ماند.

شاید اغراق‌آمیز به نظر برسد اما از خلال ادبیات و به یاری آن می‌توان نگاهی جامع به جهان و زندگی افکند. نگاهی که همزمان آمیخته به اندیشه و احساس است و صورتی از جهان را برپا می‌سازد که همان حقیقت ناآشنای آن است.

رحم‌الله حسینی

۱۳۹۲ تان